

## دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس جلسه ۴، تاریخ دوران نخست‌زایی، پیدایش ۱-۱۱

جفری هادون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جفری هادون هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه ۴، تاریخ نخستین، پیدایش ۱ تا ۱۱ است.

بیشتر این دوره بر دوره‌های بعدی تاریخ کتاب مقدس تمرکز خواهد داشت، اما من می‌خواهم به تاریخ دوران نخستین نیز پردازم.

این تاریخچه پیدایش، یازده فصل اول است، و فقط چند یافته باستان‌شناسی مجزا را ارائه می‌دهم که تاریخ بسیار اولیه کتاب مقدس، از گزارش‌های کتاب مقدس را روشن می‌کند. می‌خواهم به این مهر استوانه‌ای سومری بسیار اولیه نگاهی بیندازیم. حالا، یک مهر استوانه‌ای یک مهر است. باز هم، این نیست، شما آن را مانند یک مهر معمولی که شاید از گردنتان آویزان باشد یا روی انگشتری در انگشتان باشد، مهر نمی‌زنید، اما اساساً شبیه یک ته سیگار، یک وردنه کوچک و ریز است، و شما آن را روی گل رس می‌غلطانید، و یک تصویر یا یک صحنه دارد، و می‌خواهم به این مهر استوانه‌ای سومری اولیه نگاهی بیندازیم.

دوباره، به تاریخ اینجا نگاه کنید، تقریباً حدود ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد، درست قبل از زمان آدم، و اگر توجه کنید، دو پیکره نشسته اینجا دارید که رو به یک درخت نشسته‌اند، و این درخت ممکن است مورد احترام یا پرستش باشد. ظاهراً به نظر می‌رسد یکی نر و دیگری ماده است، اگرچه نمی‌توانیم در این مورد مطمئن باشیم، اما به آنچه پشت هر پیکره است نگاه کنید. یک مار می‌بینید، و آن مار دراز کشیده نیست؛ ایستاده است.

و باز هم، ظاهراً درخت وسیله‌ای برای پرستش یا احترام است. نمی‌توانیم جزئیات بیشتری از این ارائه دهیم، اما به نظر می‌رسد این یادآور صحنه‌ای در فصل سوم پیدایش، سقوط بشریت است، جایی که مار زنان را وسوسه می‌کند و مرد به دنبال او می‌رود و آنها از میوه این درخت شناخت خوب و بد می‌خورند و گناه از طریق آن عمل وارد جهان می‌شود، احتمالاً تاریک‌ترین روز روی زمین. مهر بسیار جالبی که باز هم به نظر می‌رسد یادآور سقوط است.

حالا به یک مکان باستانی در اسرائیل می‌رسیم. این یک معبد بسیار قدیمی در مکانی به نام ان گدی است. این معبد مشرف به دریای مرده است.

این یک مکان زیباست. می‌توانید تصویر پایین سمت راست را ببینید، منظره‌ای زیبا از دریای مرده و ماوراء اردن. باز هم، مکانی بود که چندین بار در کتاب مقدس از آن نام برده شده است، En Gedi دارید.

این منطقه‌ای است که داوود و افرادش از دست شائول پنهان شدند. این منطقه در بیابان یهودیه بود. بعداً با جزئیات بیشتری به بیابان یهودیه خواهیم پرداخت.

اما من معتقدم که این معبد در دهه ۱۹۵۰ توسط یوحنا آهارونی کشف شد و سپس در طول کار بنجامین، مازار در تل یا محل ان گدی، شهر بعدی، حفاری شد. مشخص شد که این یک سازه مجزا، بسیار قدیمی چهارم یا حتی اوایل هزاره پنجم پیش از میلاد است. دوره مس سنگی همان چیزی است که ما آن را عصر مس سنگی می‌نامیم.

باز هم، به یاد داشته باشید، این مکان دورافتاده است. هیچ چیز قابل تاریخی در اطراف آن وجود ندارد، هیچ خانه یا چیزی که ما پیدا کرده باشیم مربوط به این دوره اولیه باشد. چیزی که اینجا داریم یک خانه یا معبد با اتاق‌های بزرگ است. می‌توانید این مناطق را اینجا ببینید، یا حوضچه‌های شراب سنگی یا مخازن و نیمکت‌ها

و بنابراین، ظاهراً اینجا یک معبد بوده است. ما اینجا یک اتاق دروازه، یک انبار آذوقه و یک دروازه دیگر داریم. اما در حیاط، چیزی شبیه به یک دونات داریم، اما ظاهراً چیزی شبیه به یک لگن است

و این هم تصویری از آن، که اینجا و اینجا به چه شکلی است. آن حوض برای چه بوده؟ باز هم، شاید شاید برای شراب‌نوشی، برای نگهداری آب، هیچ آستر یا چیزی که این را تعیین کند وجود نداشته. اما من معتقدم، و فکر می‌کنم دیگران هم معتقدند، که این در واقع در اصل درختی بوده که در این مکان دورافتاده پرستش می‌شده است.

و حوض یا بنای سنگی که در اطراف آن ساخته شده بود، بخشی از آن بنایی بود که برای این درخت پرستش ساخته شده بود. و بعدها در کتاب مقدس، شواهد زیادی از پرستش درختان یا تیرک‌ها، تیرک‌های اشراف داریم و زیر هر درخت سبز، باز هم، همانطور که در کتاب مقدس آمده است، مردم ادیان بت‌پرست کنعانی را پرستش و اجرا می‌کردند.

و فکر می‌کنم اینجا ما شواهد خیلی قدیمی از آن را داریم. و باز هم، این نمی‌تواند، من نمی‌توانم این را ثابت کنم، اما فکر می‌کنم آن مربوط به یک درخت بود. و آن یک درخت مقدس بود.

دوباره، ما به آن درخت در فصل سوم پیدایش، دانش خیر و شر، نگاه می‌کنیم و این احتمالاً یک تصویر باستان‌شناسی از پرستش آن در مکانی دورافتاده است. مطالعه دوره مس‌سنگی در سرزمین مقدس بسیار جالب است. باز هم، هیچ کتیبه و نوشته‌ای در این اوایل وجود ندارد.

ما به سادگی نمی‌دانیم این افراد چه کسانی بودند، اما آنها از اسناد باستان‌شناسی ناپدید شدند. آنها سفالگری و معماری متمایزی دارند و هیچ‌کس نمی‌داند چه اتفاقی برای آنها افتاده است. و این، باز هم، یک سوال تاریخی دیگر است.

اما این چیزی که می‌بینید در وضعیت بسیار خوبی از نظر حفاظتی قرار دارد. روبنای آن دیوارها از آجر گلی بوده است. دیوارهای پایه سنگی یا چند لایه اول هنوز باقی مانده‌اند.

شگفت‌انگیز. فقط برای اینکه همه ایده‌ای داشته باشند، این حداقل ۲۰۰۰، شاید ۲۵۰۰ سال قدمت دارد. زمانی که داوود در این منطقه می‌دوید. این نشان می‌دهد که قدمت این چقدر است.

و امروزه هم مکان بسیار خوبی برای بازدید است. باید کمی کوهنوردی کنید. در سمت راست بالا می‌توانید مسیر صعود به سربالایی زیز را ببینید که به سمت تپه ناهل آروگوت می‌رود و به تپه یهودا می‌رود.

این یکی از راه‌های دسترسی به یهودا، یکی از راه‌های خروج از شکاف یا دره اردن، منطقه دریای مرده است. و بنابراین، این یک مکان استراتژیک مهم است. بعدها قلعه‌های اسرائیلی و همچنین قلعه‌های رومی در این منطقه وجود داشت.

اما این به زیبایی حفظ شده و توسط اسرائیلی‌ها حفاری و منتشر شده است. بیابید در مورد عدن، باغ عدن و گان عدن صحبت کنیم. آیا می‌توانیم آن را پیدا کنیم؟ این یکی از، باز هم، یک سوال باستان‌شناسی است که هر از گاهی از من پرسیده می‌شود.

و اساساً، برای تعیین محل باغ عدن، می‌توانیم یک دارت برداریم و آن را به سمت نقشه زمین پرتاب کنیم. و احتمالاً کسی جایی را که آن دارت به آنجا می‌رسد توصیه کرده است. اگر روی خشکی باشد، احتمالاً کسی توصیه کرده است که باغ عدن آنجا بوده است. نکاتی در مورد مکان باغ عدن وجود دارد، و آن چهار رودخانه‌ای است که در پیدایش ۲ به آنها اشاره شده و از عدن سرچشمه می‌گیرند.

و البته، آنها عبارتند از فیشون، جیحون، دجله و فرات. حال، دجله و فرات شناخته شده‌اند. لزوماً به این معنی نیست که آنها در آن زمان، در آن اوایل تاریخ، مسیر یکسانی داشته‌اند.

اما فیشون و جیحون به طور قطعی شناخته نشده‌اند. اکنون، برخی گفته‌اند که نیل یکی از این دو رودخانه بوده است. ما به طور قطعی نمی‌دانیم.

اما سال‌ها پیش، در یک کنفرانس باستان‌شناسی مقاله‌ی فوق‌العاده‌ای شنیدم که شمال عراق و غرب ایران را به عنوان مناطقی با نام‌های مکانی فراوان توصیف می‌کرد که به نظر می‌رسد نام عدن را حفظ کرده‌اند بنابراین، درست در انتهای شمالی، منطقه‌ای کوهستانی و تپه‌ای از عراق و ایران قرار دارد. بنابراین، آیا آن نام‌های مکانی، نام‌های جغرافیایی، می‌توانند باغ عدن واقعی را حفظ کنند؟ شاید.

می‌توانید برخی از معانی عدن را ببینید. تجمل، فراوانی در زبان آکدی، یا سادگی و سرسبزی در زبان آکدی و سومری. بنابراین امیدواریم، وقتی اوضاع سیاسی تغییر کند، شاید بتوانیم کارهای بیشتری در آنجا انجام دهیم.

همچنین مقاله‌ای وجود دارد که توسط یک باستان‌شناس به نام جیمز ساور نوشته شده است. او سال‌ها در اردن کار کرده است. و این مقاله در سال ۱۹۹۴ نوشته شده است.

و او به مجموعه‌ای از عکس‌های ماهواره‌ای اشاره کرد که در طول جنگ اول خلیج فارس در صحرای عربستان گرفته شده بود. و این عکس‌ها، بستر رودخانه‌ای عظیم و خشک را که از کوه‌های حجاز در سواحل غربی عربستان سعودی تا خلیج فارس امتداد داشت و با رودخانه‌های دجله و فرات در شهر العرب به هم می‌پیوندند، حفظ کرده بودند. و او پیشنهاد می‌کند، و باز هم، زاور، من اوانجلیست نمی‌نامم، نبود.

او اظهار داشت که این می‌تواند یکی از رودخانه‌های عدن باشد. دانشمندان آن را رودخانه کویتی نامیدند. در اینجا برخی از مکان‌های پیشنهادی برای عدن آورده شده است.

و این بستر خشک رودخانه‌ای است که در دوران باستان، هزاران سال پیش، رودخانه‌ای عظیم بوده است. او معتقد است که این همان رودخانه فیشون است که در فصل دوم سفر پیدایش به آن اشاره شده است. و تصویر دیگری از آن رودخانه در اینجا وجود دارد.

و دوباره، از کوه‌های حجاز شروع می‌شود، از شمال عربستان سعودی می‌گذرد و نزدیک دهانه دجله و فرات تخلیه می‌شود، که قبل از برخورد به خلیج فارس در شهر العرب به هم می‌پیوندند. در دوران باستان، احتمالاً متفاوت بوده است. اما بسیار جالب است.

و این، باز هم، خیلی زود در تاریخ شناخته شده بود. و بنابراین، ممکن است شواهدی در آنجا داشته باشیم. حالا، جیحون کجاست؟ ما به چشمه جیحون در خارج از اورشلیم باستان فکر می‌کنیم.

باز هم، این چشمه‌ای است که هنوز فعال است. اما این یک رودخانه نیست. احتمالاً فقط کاربرد متفاوتی از کلمه است که به معنی فوران کننده است.

بنابراین، این هنوز قطعی نیست. روایت نوح و کشتی. باز هم، در مورد افسانه‌های کشتی در فرهنگ‌های مختلف صحبت خواهیم کرد.

اما نکته‌ی الهیاتی جالب در مورد کشتی نوح این است که یک ورودی دارد. چندین ورودی ندارد، بلکه یک ورودی دارد. و آن ورودی، باز هم، به معنای زندگی و رستگاری برای حیوانات و افرادی بود که وارد کشتی می‌شدند.

ما به عنوان مسیحیان، به این تصویر اولیه از مسیح به عنوان دروازه نجات برای خود نگاه می‌کنیم. بسیاری از شما لوح بابلی به نام حماسه گیلگمش را می‌شناسید. این لوح درباره مردی به نام اوتنپیشتم و قایقش، شخصیتی شبیه نوح، صحبت می‌کند.

بین داستان نوح در کتاب مقدس و روایت نوح شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد، و همچنین تفاوت‌های عمده‌ای. اما در ذهن من، و فکر می‌کنم در ذهن بسیاری دیگر، آنها به وضوح مبتنی بر یک سنت واحد با گونه‌های مختلف هستند؛ باز هم، ما حماسه گیلگمش را شاید به عنوان حماسه‌ای که در طول قرن‌ها شاخ و برگ داده شده و تغییر یافته است، در نظر می‌گیریم. اما آنها به وضوح منبع مشترکی دارند.

و این یک یافته‌ی مهم بود، باز هم، ترجمه‌ی جورج اسمیت، که در سخنرانی قبلی در مورد آن صحبت کردیم نکته‌ی دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، و من این را از پاسخ‌های موجود در سفر پیدایش دریافتیم: اکثر جوامع باستانی و فرهنگ‌های باستانی نوعی سنت سیل دارند. و این قطعاً نمی‌تواند تصادفی باشد.

نکته‌ی دیگر، یکی از نکات دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، محل کوه آرارات است. در واقع چندین کوه وجود دارد، آرارات کوچک و خود آرارات. و ما در دانشگاه اندروز در حال حاضر یک هیئت اعزامی در شرق ترکیه داریم که در حال بررسی اطراف کوه آرارات است.

امیدوارم مجوز صعود به کوه و نمونه‌برداری از چوب‌های بالای آن را دریافت کنیم. یکی از محدود چیزهایی که یا یکی از چیزهایی که کمتر کسی می‌داند این است که خود کوه، در پایین‌ترین نقطه، کاملاً عاری از هر نوع چوبی است. و افراد زیادی که به آرارات صعود کرده‌اند، چوب‌های کار شده، چوب‌های بریده شده پراکنده در قسمت‌های مختلف کوه را پیدا کرده‌اند که باید با دست آورده یا در آنجا انبار می‌شدند.

آنجا نبود؛ اصلاً درختی وجود ندارد. اما تیم اندروز ما در حال انجام یک بررسی باستان‌شناسی در اطراف آرارات، که همان اورارتوی کتاب مقدس است، هستند. و آنها سفال و نوعی سیر تکاملی سفالگری را پیدا می‌کنند و می‌خواهند آن سفال‌ها را از جنوب به جنوب دنبال کنند و ببینند که سفال‌ها چگونه تغییر می‌کنند و امیدواریم به نوعی ایده‌ای برسند که آیا مهاجرتی در اوایل تاریخ مردمان یا اقوامی وجود داشته است یا خیر.

آنها همچنین مهاجرت مردم از منطقه اورارتو به جنوب را بررسی می‌کنند، که ممکن است دوباره با روایت کتاب مقدس همخوانی داشته باشد. باز هم، تصویر یک هنرمند دیگر از کوه یا قوس کوه آرارات. اما بسیاری از باستان‌شناسی‌های جعلی بر یافتن کشتی نوح متمرکز شده‌اند و ادعاهای زیادی مطرح شده است.

و بنابراین، بیشتر آنها جعلی هستند، واضح است که جعلی هستند. و بنابراین، گروه اندروز که این کار را انجام می‌دهند، بسیار محتاط هستند و از روش علمی مناسب برای کار خود استفاده می‌کنند. بسیار خوب، به نمادگرایی رنگین‌کمان می‌رسیم.

و باز هم، رنگین کمان نشانه‌ی خدا بود که دیگر هرگز اجازه نخواهد داد سیلی زمین را فرا بگیرد. و این مانند یک پیمان یا عهدی است که او بین ما اینجا روی زمین و خودش بسته است. حالا، در بین‌النهرین، در شمایل‌نگاری بین‌النهرین، وقتی عهدی بین یک گروه کوچک‌تر و یک گروه بزرگ‌تر بسته می‌شود، همانطور که در این مورد هم هست، به گمانم یک مهر استوانه‌ای دیگر اینجا، و شما گروه بزرگ‌تر را دارید که با یک گروه کوچک‌تر عهد می‌بندند و به کمانی که دارید نگاه کنید.

و منحنی آن کمان همیشه به سمت حزب بزرگتر است. زه کمان به سمت حزب کوچکتر است. بنابراین، این یک مثال زیبا از عهد خداست؛ حزب بزرگتر دوباره قسمت منحنی رنگین کمان است که به سمت آسمان اشاره می‌کند، و زه صاف یا زه واقعی کمان، زمین، ما، است.

و بنابراین، من معتقدم که این رسم بسیار قدیمی در بین‌النهرین، از آن پیمان بین خدا و نوح و نوادگان نوح استفاده می‌کند. طوفان چه زمانی رخ داد؟ واقعاً نمی‌توان گفت. ما می‌دانیم که در دوره نوسنگی، و دوباره، قبل از سال ۴۳۰۰، شهرهایی با دیوار، کشاورزی سفالی، نوعی ساختار، حکومت، شاید حکومت‌های اربابی، و دوباره، زبان انسان‌شناسی در اینجا وجود داشته است.

بنابراین، شما جامعه‌ای را در دوره نوسنگی دارید که وضعیت قبل از سیل، یعنی دوره پیش از طوفان نوح، را توصیف می‌کند. سیل چه زمانی رخ داد؟ در دوره نوسنگی، دوره نوسنگی را دارید، و دوره نوسنگی نیز جالب است زیرا دوباره با یک فرهنگ مادی کاملاً متفاوت، مردم متفاوت، سفالگری متفاوت و همه چیز متفاوت جایگزین شده است. و چه اتفاقی برای آنها افتاد؟ آنها ناپدید شدند.

آیا این می‌تواند ربطی به یک سیل جهانی داشته باشد؟ و اینها سوالاتی هستند که محققان کتاب مقدس مدتی است می‌پرسند و ما واقعاً هیچ پاسخی برای آنها نداریم. باز هم، به طور مشهور، کاوش‌های وولی در اور لایه ضخیمی از گل و لای را کشف کرد.

او فکر می‌کرد که شواهدی برای سیل پیدا کرده است، اما ظاهراً در آن زمان ثابت شد که این ادعا نادرست است. اکنون، در جنوب عین‌گدی، دره‌ای عمیق از دریای مرده به سمت تپه‌ای به نام نهال می‌شمار می‌رود. در دهه ۱۹۶۰، اسرائیلی‌ها یک بررسی باستان‌شناسی بسیار جدی از این وادی‌ها انجام دادند و به دنبال طومارهای بیشتر دریای مرده بودند.

و چون متوجه شدند که بادیه‌نشینان به دنبال طومارهای دریای مرده هستند، می‌خواستند به نحوی، بادیه‌نشینان را شکست دهند و اگر طومارهای بیشتری وجود داشت، خودشان آنها را پیدا کنند. بنابراین تیم‌های مختلفی از این دره‌ها، وادی‌های مختلف را اعزام کردند و یکی از آنها توسط شخصی به نام پسح بر-آدون رهبری می‌شد. پسح بر-آدون در غاری در امتداد صخره یکی از این وادی‌ها حفاری کرد و وقتی این را کشف کرد، فکر کرد که گنج معبد سلیمان را پیدا کرده است.

او خیلی هیجان‌زده بود. اما وقتی به اورشلیم برگشتند و آن را بررسی کردند، کاملاً متوجه شدند که خیلی قدیمی‌تر از سلیمان است. این یک گنجینه از مصنوعات مسی بود، یک گنج، واقعاً یک گنج، که قدمت آن به دوره مس‌سنگی برمی‌گشت.

باز هم، همزمان با آن معبدی که در عین-گدی پیدا شد. اینکه آیا این دو با هم مرتبط هستند یا خیر، ما نمی‌دانیم. اما معبد عین-گدی و یافته‌های این غار به وضوح با این ایده در آنجا قرار داده شده‌اند که مردم برگردند و آنها را بازیابی کنند.

آنها هرگز این کار را نکردند. معبد عین-جدی متروکه شد. ویران نشد.

سفال‌های خیلی کمی روی کف زمین بود. مشخص بود که فقط آنجا مانده و افرادی که معبد را اداره می‌کردند یا آنجا کار می‌کردند، آنجا را ترک کرده و رفته‌اند. چه اتفاقی افتاده؟ ما نمی‌دانیم.

باز هم، هیچ کتیبه‌ای از این دوره وجود ندارد. اما مطمئناً این موضوع سوالاتی را در مورد اینکه آیا این موضوع ارتباطی با وقایع اولیه کتاب مقدس دارد یا خیر، ایجاد می‌کند. یاوه‌گویی‌های بابل یک معمای انسان‌شناسی است.

انسان‌شناسان انواع ادعاها را در مورد چگونگی توضیح ظهور بشریت و منشأ بشریت جدا از خدا مطرح می‌کنند. چیزی که آنها نمی‌توانند توضیح دهند زبان است، اینکه چگونه نوزادان انسان می‌توانند در سنین بسیار پایین شروع به صحبت کنند، چگونه زبان‌ها توسعه یافته‌اند و مهمتر از همه، چگونه منشأ گرفته‌اند. البته، پیدایش ۱۱، برج بابل، توضیح کتاب مقدس را برای این که خدا زبان‌ها را اشتباه گرفت و مردم شروع به صحبت به زبان‌های مختلف کردند، ارائه می‌دهد.

اما انسان‌شناسان، باز هم، نمی‌توانند جایگزینی برای آن توضیح دهند. قبل از اینکه به دوره‌ها و مباحث بعدی در باستان‌شناسی پردازیم، روایت برج بابل واقعاً سرگرم‌کننده است و نوعی جدال علیه باور همیشگی تلاش بشریت برای رسیدن به نوعی بهشت و مقام الهی است. و باز هم، این از ابتدا در تاریخ بشر وجود داشته است.

مکان بابل، بابل، به معنی دروازه خداست. باب در زبان سامی به معنی دروازه و ال به معنی خداست. و بنابراین آنها این زیگورات یا این برج را می‌سازند، و کار و کار و کار می‌کنند، و برج بابل تبدیل به بعل یا آشفتگی بابل می‌شود. بنابراین، اینجا یک بازی با کلمات وجود دارد.

و شما این مردم را دارید که این برج عظیم را تا آسمان‌ها می‌سازند، و خدا به پایین نگاه می‌کند، می‌گوید، آنجا چه خبر است؟ آنجا، من چه می‌بینم؟ باز هم، سرگرم‌کننده است، تقریباً برای خنده، می‌دانید، تلاش‌های بشریت برای رسیدن به آسمان‌ها را مسخره می‌کند. و بنابراین، او پایین می‌رود و زبان آنها را گیج می‌کند. من اینجا هم اشاره کردم که پادشاهان بعدی مانند نبوکدنصر زیگورات‌ها و برج‌ها و مهرها و ساختمان‌ها را می‌ساختند و نام و خط میخی خود را روی هر آجر مهر می‌کردند.

وقتی صدام حسین در دهه ۱۹۸۰ برخی از این بناها را مرمت کرد، روی آجرهایی که او برای مرمت آنها استفاده کرده بود، نام صدام حسین نوشته شده بود. باز هم، من سعی می‌کنم یک نئو نبوکدنصر باشم. برج بابل چه شکلی بود؟ احتمالاً شبیه یکی از این زیگورات‌ها، یک هرم پلکانی.

و البته، این بناها وقتی در وضعیت بدی بودند، معبدی در بالای آنها وجود داشت. نکته آخری که می‌خواهم در مورد تاریخ اولیه به آن اشاره کنم، فهرست پادشاهان سومری است. این فهرست‌ها در جنوب بین‌النهرین یافت شده‌اند.

سومر یک فرهنگ بسیار قدیمی بین‌النهرین بود و آنها چندین لوح با فهرست پادشاهان داشتند. و این پادشاهان فهرست‌هایی از پادشاهان داشتند که مربوط به قبل و بعد از چیزی بود که آنها طوفان نوح می‌نامیدند. و طول عمر این پادشاهان فوق‌العاده طولانی بود، هزاران سال.

و این دوباره ما را به یاد تولدو، شجره‌نامه‌های کتاب پیدایش، می‌اندازد، که در آن نیز طول عمرهای طولانی صدها سال، نه هزاران سال، داریم. اما ممکن است باز هم ارتباطی با آن وجود داشته باشد که می‌تواند

اغراق آمیز باشد، مطمئناً از طرف فهرست پادشاهان سومری. اما چه اتفاقی می افتاد؟ و شاید ارتباطی در آنجا وجود داشته باشد.

حالا، جالب است که طول عمر پس از هبوط همچنان رو به کاهش است. و تا زمان ابراهیم، هنوز افرادی با عمر طولانی وجود دارند، اما هیچ چیز شبیه به این فهرست های اولیه شجره نامه، به ویژه پیدایش ۵، نیست بنابراین، این خلاصه ای از مثال های ما از فصل های اولیه پیدایش است و سپس به دوره های بعدی خواهیم پرداخت.

این دکتر جفری هادون در تدریس خود در مورد باستان شناسی کتاب مقدس است. این جلسه ۴، تاریخ نخستین، پیدایش ۱ تا ۱۱ است.